

## نبرد نور و ظلمت رژیم ضد خلقی صدام محکوم به نابودی است

رژیم بعثی عراق به رهبری صدام دیکتاتور با انباشتن زندانها از دموکراتهای انقلابی، کمونیستها، رهبران انقلابی مذهبی و سپردن مدهاتن از این شیفتگان راه آزادی و استقلال واقعی عراق به چوبه‌های داسلطه، جابرانه‌مشتی استعمارگروهم‌رای و همراه‌امپریالیسم‌جهانی و ارتجاع منطقه را تحکیم و تقویت نمود.

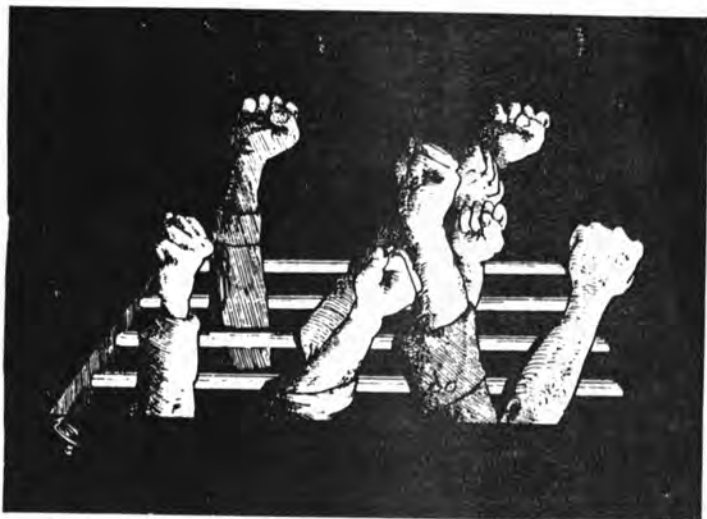
در سه سال اخیر به ویژه از زمان فرمانروایی مطلق صدام‌خائن و شرکاء، عراق به بهشت جنایتکاران و زندان فرزندان مبارز و انقلابی توده‌های زحمتکش عراق بدل شده است.

رژیم صدام با پشت کردن به هدف‌های ضد امپریالیستی مردم عراق دست استعمارگران داخلی و انحصارات امپریالیستی را در غارت مردم با زکذاشته است.

تجاوز خائنه و پیمان شکنانه ارتش بعثی عراق به ایران در هفته گذشته و بمباران وحشیانه و دیوانه‌وار اماچه‌های عمدتاً اقتصادی غیرنظامی مناطق مختلف کشور انقلابی ما توسط جنگنده‌های عراقی، رژیم دژخیم، ضد خلقی و شونیست صدام‌خائن را در نظر رجب‌خانیان بیش از پیش رسوا ساخت.

رژیم صدام‌خائن که برخاسته از گروهی انحصارطلب، فرقه‌گرا، فاشیست مآب و آلوده به ناسیونالیسم ارتجاعی است، انقلاب ضد امپریالیستی خلق زحمتکش و ستمدیده، عراق را به بیراهه کشید و با خیانت به بهترین آرمان‌های وحدت‌آفرین این خلق در مبارزه با صهیونیسم و امپریالیسم، دستاوردهای انقلابی مردم قهرمان عراق را به باد فنا داد.

## نگاهی به روند گردش به راست در عراق



### دمکراسی انقلابی: ایدئولوژی و سیاست قسمت دوم

### دمکراسی انقلابی در آفریقا

هدف و مضمون کار ایدئولوژیک کشورهای آفریقایی دارای سمت‌گیری سوسیالیستی تربیت انسان نوپرویش فردبا آرمان‌های شریف مدنی و میهن پرستانه است. دادن وجدان انقلابی به شهروندان و بخشیدن احساسات مسئولانه به آنان در اجرای کامل هدف‌های تعیین شده وظیفه میرم روزاست.

سکوت‌ورده در کتابش "استراتژی و تاکتیک انقلاب" می‌نویسد: "تربیت ایدئولوژیک و ایدئولوژی انقلابی ملاحضاتی هستند که امروزه خلق‌های ستمدیده به وسیله آن بر معایب چیره می‌شوند و توطئه‌های داسمی‌دولت‌های استعمارگرومبارزه طلبی آنان را خنثی می‌سازند."

سیج زحمتکش در مبارزه برای غلبه بر مشکلات اجتماعی - اقتصادی و انتشار اندیشه‌های ترقیخواهانه در میان توده‌ها به مقدار زیادی تابع کامیابی‌های کاراسلوبی تربیتی حزب، دولت، سازمان‌های اجتماعی و وسایل خبری است.

تجربه این کشورها نشان می‌دهد که این کار از سمت - گیری اساسی زیرتبعیت می‌کند.

مبارزه برای غلبه بر بیسوادی میان نوجوانان و توسعه شبکه مدارس آموزش عمومی برای کودکانی که به سن تحصیلی رسیده‌اند.

پرورش روح میهن پرستی، محطت مدنی و رفتار نودر کار.

تابانیدن اندیشه‌های دموکراسی انقلابی و اصول سوسیالیسم علمی در وجدان‌های مردم، مبارزه بر ضد قبیله‌گرایی، ایدئولوژی بورژوازی و خرده بورژوازی.

این سمت‌گیری‌ها بطور اساسی یک سلسله مسایل مربوط به انقلاب فرهنگی، زدودن میراث استعماری، پیشداوری - های کهنه پرستانه در ایدئولوژی، فرهنگ، روان شناسی اجتماعی و رفتار را در بر می‌گیرد.

مبارزه برای ریشه کن کردن بیسوادی بین نوجوانان و توسعه شبکه مؤسسات آموزشی برای کودکان، مقدمات اول کردن آموزش رایگان عامل اساسی رهایی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زحمتکشان و رشد وجدان طبقاتی‌شان است. موضوع اساسی تجدیدنظر کارمل در مضمون آموزش است. اصلاح تعلیم و تربیت ملی در کشورهای دارای سمت‌گیری سوسیالیستی: مردمی کردن (دموکراتیزه کردن) و ملی کردن مؤسسات آموزشی ایجاد و توسعه شبکه واحد آموزشی، نزدیک کردن آن به

## جنبش خلق در عربستان سعودی

دستگاه نظامی سعودی به عهده آنهاست. در هیچیک از کشورهای خاورمیانه و خاور نزدیک این تعداد آمریکایی مستقر نیستند. علت دیگر سیاست دوپهلوی سعودی نسبت به اختلاف بین ایران و آمریکا، رعایت مسائل داخلی است. پیش از ۳۰۰۰۰۰ شیعه در شرق عربستان سعودی که یکی از غنی‌ترین مناطق نفت خیز این کشور است زندگی می‌کنند. این اقلیت هوادار سرسخت اما خمینی و بر خوردار از سنت‌های غنی مبارزاتی است. آغاز زنی می‌که به کتار در مسجد الحرام می‌کند انجام میدار این منطقه بود. یکی دیگر از دلایل اتخاذ چنین سیاستی حالت انفجاری موجود در عربستان و تاثیر انقلاب ضد امپریالیستی ایران و افغانستان بر نیروهای مخالف در این کشور است. از سوی دیگر تظاهرات دوری از آمریکا نه تنها به منظور آرماسختن‌ها - سات ضد امپریالیستی در کشورهای عربی درگیر با اسرائیل است بلکه اوضاع داخلی خود عربستان در این امر نقش ویژه‌ای دارد. رژیم سعودی در مورد کشورهای دیگرگر با اسرائیل نیز مجبور به واکنش ملایم شده است. اتحاد نظامی بین آمریکا - اسرائیل - مصر که تحت پوشش پیمان طح مصر و اسرائیل انجام گرفت پرده از سیاست سالوسانه عربستان سعودی برداشت. رژیم سعودی معتقد است که با اتکا به آمریکا می‌توان در حل عادلانه مسئله فلسطین تاثیر مثبت گذاشت! از سوی دیگر به منظور جلوگیری از منفرد و محکوم شدن در جهان عرب ظاهراً روابط دیپلماتیک خود را با مصر قطع کرد ولی در عمل به کمک‌های پنهانی خود به رژیم ورشکسته سادات ادامه می‌دهد و به این وسیله ادامه مذاکرات کمپ دیوید را که از جانب کشور - های عضو جبهه پایداری و نیز عربستان سعودی محکوم شده بود، امکان پذیر ساخت. سیاست سالوسانه رژیم سعودی در موضع‌گیری این کشور نسبت به مسئله

شاهزاده فهد در مورد بحران افغانستان گفته است: "شوروی از هیچ کوششی در راه ایجاد پایگاه‌های نظامی جدید در مناطق نفت - خیز و برقرار ساختن سلطه خود در این مناطق کوتاهی نخواهد کرد. این وظیفه تمام جهان آزاد است که هر چه زودتر در مقابل خطر شوروی دست به کار شود. در این مورد یک اقدام بین‌المللی متمرکز و مشترک ضرورت دارد" (۱)

در باره رگنی‌ترین کشور نفت خیز جهان بر اساس این "نظریه" و در جهت حفظ منافع آمریکا و کنسرن‌های آن نقش عمده‌ترین کمک دهنده محلی به شورشیان افغانستان را به عهده گرفته است. عربستان سعودی کاملاً طبق خواست امپریالیسم آمریکا به ترکیه، عضو ناتو "جبهه" خیالی شمال شرقی این کشور با اتحاد شوروی، کمک‌های قابل توجهی می‌کند (در سال ۱۹۷۹، ۲۵۰ میلیون دلار و در سال ۱۹۸۰ موافقت در پرداخت یک میلیارد دلار) (۲)

شیوخ نفتخوار سعودی با پرداخت میلیاردها دلار به پاکستان به توطئه‌های نظامی و خرابکارانه این کشور در افغانستان کمک می‌کنند.

تاکتیک سالوسانه در برابر ایران و فلسطین

رژیم سعودی در حالیکه آشکارا در جهت منافع امپریالیسم کامپرمی‌دارد. ناگزیر در برابر ایران و اختلافات موجود بین کشورهای خاورمیانه روشی احتیاطی - آمیز در پیش گرفته است. سران عربستان سعودی به منظور فریب افکار عمومی به سطر فی‌نسبت به انقلاب ایران و دوری از آمریکا تظاهر می‌نمایند. شاهزاده فهد در گفتگویی با نیوزویک می‌گوید: "ما هرگز اجازه ایجاد پایگاه نظامی خارجی در قلمرو خود نخواهیم داد" (۳) اما در عربستان سعودی که جمعیتی حدود ۴ تا ۶ میلیون نفر دارد بیش از ۴۵۰۰۰ آمریکایی زندگی می‌کنند؛ اداره

### بقیه: دمکراسی انقلابی در آفریقا

واقعیت زندگی، تربیت کادرهای آفریقایی، سازماندهی آموزش عالی و تجدیدنظر در برنامه های درسی است. کشورهای دارای سنت گیری سوسیالیستی به برنامه های مجهزنده هدف آن تربیت انسان نو، محبوبیای استعمار، قبیله گرایی و افشای مآهیت امپریالیسم و استعمار - نواست.

دموکراسی انقلابی آفریقا خطوط اساسی استراتژی رشد و گسترش تربیت ملی را مشخص کرده است. این استراتژی مبتنی بر اصول زیر است: تا مین امکانات مساوی برای همه، کودکان در زمینه دست یافتن به آموزش صرف نظر از منشأ اجتماعی شان، تعادل معقولانه بین آموزش ابتدایی و متوسطه، در نظر گرفتن نیازهای کنونی و آتی کشور، تضمین خصلت دموکراتیک آموزش، ترکیب آموزش عمومی و تخصصی، اولویت در توجه به ناسا عدترین مناطق.

در عصر استعمار مردم آموزش را وسیله ای برای رهایی از کار ییدی می دانستند. به این دلیل موسسات تعلیم و تربیت ملی مبارزه با این نوع پیشداوریها و تا مین پیوند بیسن موضوعات درسی و تربیت حرفه ای را همچون وظیفه، اساسی تلقی می کنند. وظیفه، مدرسه از دیدگاه این موسسات نه تنها القای عناصر شناخت، بلکه تبدیل شدن به ابزار مؤثر در تغییر جامعه، کم ر شده جا معه، هما هنگ و پیشرفته است.

موسسات موسوم به مراکز آموزش انقلابی به پایه انقلاب فرهنگی در گینه بدل شده اند. آنها با موریت دارند برای جنبش تعالی و نیکی در تربیت کنند، به ریشه کن ساختن بیسواد ی بین نوجوانان یاری رسانند و در قلمرو تربیت ایدئولوژیکی و سیاسی زحمتکشان دست به کار وسیع تشریحی و تبلیغی بزنند.

در جمهوری دموکراتیک آنگولادرا چوب کار بزرگ نهضت سوادآموزی ۱۸۷۰۰۰ نوجوان طرف دوسال (۱۹۷۸-۱۹۷۷) خواندن و نوشتن آموختند. در ۱۹۷۹ در مجموع ۶۰۰۰۰۰ آنگولایی دوره های سوادآموزی را به پایان رساندند.

در گزارش فعالیت کمیته مرکزی به نخستین کنگره جنبش رهایی بخش خلق آنگولا (میلاد) تاکید شده است که از ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ تعداد محصلین آموزش ابتدایی و متوسطه دو برابر شده است.

پیش بینی شده است که در ۱۹۸۰، ۲۵۰۰۰۰ موزگاریه کادر آموزشی اضافه خواهد شد. این بدان معناست که تعداد کادر آموزش ابتدایی نسبت به دوران استعمار چهار برابر افزایش می یابد.

حال به بررسی چند نمونه دیگر می پردازیم: جمهوری خلق کنگو از حیث نرخ آموزش کودکان با بیش از ۷۰٪ یعنی ۳۳۵۰۰۰ جای نخست را در قاره آفریقا احراز کرده است. از هر چهار رکنگویی یک نفر درس می خواند.

کمیته مرکزی حزب رکنگوشا زیر بار مطرح ساخته است: "در جامعه نوین، آموزش سوسیالیستی آموزش نوین در نظام سوسیالیستی، وظیفه تعیین شده عبارت از ایجاد مدرسه ها یی با خصلت وسیع توده ای و دموکراتیک به منظور تربیت شاگردان با روح سوسیالیسم علمی است.

در فاصله ۱۹۵۵ (سال کسب استقلال جمهوری گینه) و ۱۹۷۶ تعداد محصلین ابتدایی از ۲۰۰۰۰ به ۳۵۰۰۰۰ و متوسطه از ۶۰۰۰ به ۱۴۰۰۰۰ رسید. آموزش عالی که پیش از استقلال وجود نداشت اکنون با ۱۵۳۰۰ دانشکده در دانشگاه گینه ۱۲۲۹۰ دانشجوی دارد. سه چهارم آنها بنا به تصمیم دولت در رشته کشتا و رزی تحصیل می کنند.

در گینه در اول آوریل ۱۹۶۸ برای با سواد شدن تمام مردم نهضت سوادآموزی ملی تشکیل شد. این نهضت محصول یک کارتر داکا طی طولانی در زمینه تدوین خط برای زبان های محلی، چاپ رسالات و غیره بوده است. آموزش به زبان های محلی سوسو، مالینکه، بیل، کیسی، توما و سایر زبان های محلی انجام می گیرد. هر شهروندی که خواندن و نوشتن بدانند در خارج از ساعات کار به یاد دادن سواد به بیسوادان مشغول می شود.

تعداد دانش آموزان مدارس تا زمانیا که در سال ۱۹۶۷، ۲۵۰۰۰۰ نفر بود در سال ۱۹۷۵ به ۱۵۳۲۰۰۰ نفر رسید. تعداد کودکانی که در مدارس ثبت نام کرده اند از ۱۸۷۵۳۷ نفر در ۱۹۶۷ به ۶۶۶۲۵ نفر در ۱۹۷۶ رسیده است. یک برنامه تولیدی در سیستم تعلیم و تربیت ملی متداول شده تا مدارس از لحاظ اقتصادی مستقل شوند. در سال تحصیلی ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴ بیش از ۷/۷ میلیون شلینگ محصولات مختلف، عمدتا مواد کشتا و رزی تولید شده است.

اطلاخ تعلیم و تربیت ملی در بنین در ۱۹۷۷ با شعار "تحصیلات و تولید" شروع شد. هدف آموزش در مدارس ابتدایی دادن معلومات اولیه، تکنیک کشتا و رزی به دانش آموزان است. دانشگاه و موسسات آموزشی متوسطه تخصصی بر حسب نیازهای اقتصاد ملی به تربیت کادرها می پردازند. سهم

بودجه ملی در آموزش عمومی بطور چشمگیری بالاتر از سایر کشورهای دیگر آفریقای است. زبان محلی در مبارزه با بی سواد ی وسیعا مورد استفاده قرار می گیرد. کتابخانه ها و قرائت خانه های عمومی متعددی در شهرها و روستاها دایر شده اند.

در اتیوپی ۶۰۰۰۰۰ دانش آموز متوسطه، دانشجو، آموزگار و نظا می در چارچوب برنامه "رشد بر اساس همیاری" برای سوادآموزی به دهقانان و کمک به آنها در ایجاد دعا و نی ها به مناطق روستایی اعزام شده اند. هدف اساسی این برنامه کمک به جمعیت روستایی از راه تشریح وظایف انقلاب ریشه کن کردن بیسواد ی و اتحاد دهقانان و چادرنشینان برای اعتلای سطح کنونی رشد اجتماعی - سیاسی کشور به روند انقلابی فعالیت های خلاق است.

در تانزانیا نیز جنبش ریشه کن کردن بیسواد ی میان نوجوانان گسترش وسیعی یافته است. هدف پایه ای برنامه سوادآموزی کارکردن (یا دادن خواندن و نوشتن به بیسواد) ضمن پرورش حرفه ای آنها است. ۲/۹ میلیون تانزانیا یی در سال تحصیلی ۱۹۷۴-۱۹۷۳ دوره های مختلف را طی کرده یا به مدارس رفته اند. هیئت داور ی یونسکو پس از تحلیل نتایج فعالیت های آموزشی در ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۳، بین المللی نادزاگوسکا با ربه خاطر کارهای تانزانیا در ریشه کن کردن بیسواد ی در میان نوجوانان به این کشور اعطاء نمود.

بسیاری از دشواریها مانع از توسعه شبکه موسسات آموزشی در کشورهای دارای سنت گیری سوسیالیستی است. از این رو، همه کودکان به مدرسه راه ندارند. زیرا تربیت معلم عقب تر از افزایش عده محصلین است. علاوه بر این، هنوز با عدم مسا یل دیگری ریل شود.

وظیفه، اعلی عبارت از بازگرداندن اعتبار روارزش کار است. زیرا برخی از قشرهای مردم به علت آلودگی ذهن شان به پیشداوریهای استعماری کار خلاق را با کار اجباری یکتان می دانند. منشور ملی الجزایر تاکید می کند که اصل سوسیالیستی: "از هر کس به اندازه استعدادش و به هر کس به اندازه کارش با تبادل اساسی سازمان اجتماعی باشد اعلامیه آروشا تصریح می کند که "کار مداوم" شرط اصلی رشد تانزانیا است. و این کار "زمانی تا بح مطلوب به بار می آورد که با شناخت تکمیل شده باشد".

اهمیت کار ایدئولوژیکی ارکان های حزب و دولت به دلیل افزایش موسسات بخش عمومی و ضرورت تا مین بهره ووشان فزونی می یابد. برای سازمان دادن رقابت سوسالیستی، شبهه های کمونیستی و غیره در کارخانه ها و فابریک ها کوششهای زیادی بایده عمل آید.

به ابتکار رکنگوشا سیون سدیگای کنگو، جنبش علیه لاقیدی ها و بی مسئولیتی ها فزونی می یابد. شعار "هفت ساعت کار نه هفت ساعت در کار" به شعار همه بنگاه های صنعتی و موسسات بدل شده است. در گزارش فعالیت کمیته مرکزی حزب گارکنگوبه دومین کنگره حزب می خوانیم: "استقلال واقعی و حاکمیت هرگز در جولاقیدی، بی انضباطی و عدم مسئولیت به دست نمی آید".

بنا به تصمیم کمیته مرکزی تانزوروشن ۱۹۷۵ مقرر گردید دبیران حزب در موسسات صنعتی تا زمانیا با اختیار وسیع در مدیریت واحدهای تولیدی فعالیت نمایند.

مبارزه برای کار تولیدی در کشورهای آفریقایسی دارای سمت گیری سوسیالیستی توام با کوشش در پایان دادن به فساد و ریشخ و پاش کاش هزینه های داری، معمول کردن نظام جدی ریاضت کشی و غیره است.

هدف بسیار مهم دیگر فعالیت ایدئولوژیکی، نشر اندیشه های ترقیخواهانه، منجمله اصول سوسیالیسم علمی است. رهبران کشورهای که ما رکنیسم لنینیسم را بعنوان ایدئولوژی رسمی پذیرفته اند، اهمیت جذب سوسیالیسم علمی را قبل از همه توسط کارکنان حزب و دولت تاکید می کنند.

ما ریان نگوا بی رئیس جمهور جمهوری خلق کنگو در یکی از نطق هایش گفته است: "آموزش ما رکنیسم لنینیسم به کار درهای عالی و متوسطه در مرحله کنونی انقلاب ما به یک امر فوری بدل شده است".

در اتیوپی، منگیشوها یله مریم رئیس شورای وقت نظامی و اداری اعلام نمود که اعلام سوسیالیسم به عنوان رهبر اطلی انقلاب شرایط مساعدی برای تاثیر و مطالعه سوسیالیسم علمی فراهم آورد و به ترجمه ادبیات ما رکنیسم - لنینیسم به زبان های محلی کمک کرد و موجب اعتلای سطح آگاهی سیاسی خلق گردیده است.

نقش عظیم در اجرای این وظیفه به منظور سازماندهی توده های خلق به عهده دفتر سیاسی موقت است. دفتر سیاسی به تربیت سیاسی و سازماندهی کارگران و دهقانان کمک می کند. ماهیت و هدف های اطلاعات دولتی را تبیین کرده و در میان مردم اشاعه می دهد و شرایط لازم را برای تبلیغ اندیشه های سوسیالیسم علمی و تجربه ساختن سواد

### سیالیسم در سایر کشورها فرا هم می آورد

نمایندگان دفتر سیاسی در تبیین سیاست شورای وقت نظامی و اداری برای توده ها کوشش عظیمی به عمل می آورند. خلق زحمتکش را در مبارزه با ارتجاع و به خاطر تا مین وحدت ملی متحد می سازند، دستاوردهای انقلاب و نخستین کامیابی های اطلاعات ارضی را برای مردم توضیح می دهند و توده های خلق را برای تا مین پیشرفت تولید کشتا و رزی و صنعتی بسیج می کنند.

در جمهوری خلق بنین، کار ایدئولوژیکی و تربیتی به وسیله مرکز ملی تربیت انقلابی رهبری می شود. کارگران و کارکنان اوقات فراغت شان را در مراکز سوادآموزی کار می کنند و در سمینارهای سیاسی هفتگی شرکت می جویند. دانش آموزان نیز همواره در جریان فعالیت های اجتماعی و فرهنگی کشور و سیاست روز قرار می گیرند. مطالعه پایه های مارکسیسم - لنینیسم ماده اجباری مدارس متوسطه و عالی است.

اعضای حزب دموکراتیک گینه وظیفه دارند تا تاریخ حزب دموکراتیک کنگو، فلسفه و نوشته های کلاسیک های مارکسیسم - لنینیسم و همچنین تصمیمات حزب را که باید مفهوم آن را برای مردم تشریح نماید مطالعه کنند.

در جمهوری خلق کنگو تبلیغ گسترده اندیشه های سوسیالیستی مضمون اساسی کار ایدئولوژیکی حزب کارکنان را تشکیل می دهد. در گزارش فعالیت کمیته مرکزی حزب کارکنان کنگوبه دومین کنگره حزب نوشته شده است که انتقال از ایدئولوژی بورژوازی با ید به جنبه مهم کار حزب کارکنان در قلمرو تبلیغات تبدیل شود. این متن همچنین تصریح می کند که اعضا باید با ایدئولوژی امپریالیستی، ایدئولوژی ناسیونالیستی بورژوازی، دریافت های قبیله گرایی و اپوتونیستی راست و چپ مبارزه کنند. اسناد کنگره به ضرورت تجهیز ایدئولوژیکی کادرهای حزب و دولت، انتشار اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم در میان توده های زحمتکش توجه زیادی مبذول داشته، تاکید می کند که مبارزان سیاسی حزب باید اخلاق کمونیستی را راهنمای خود قرار دهند و در فعالیت های حرفه ای و اجتماعی و زندگی خصوصی نمونه باشند.

یک مدرسه حزبی در جنب کمیته مرکزی حزب کارکنان برای پرورش کادرهای حزب، دولت و آموزش و پرورش بر اساس تئوری مارکسیسم - لنینیسم تاسیس شده است. آموزش فلسفه، مارکسیستی - لنینیستی در دانشگاه برازا ویسل و آموزش مواد علوم اجتماعی در همه موسسات آموزشی متوسطه عمومی و تخصصی متداول شده است. حزب مجهز به سیستم آموزش سیاسی است.

اعضای درکاتون های آموزشی و سمینارها پایه های مارکسیسم - لنینیسم را مورد بررسی قرار داده و فعالیت حزب کارکنان را تحلیل می نمایند.

در سالهای اخیر کار ایدئولوژیکی و تربیتی در ارتش ملی تحکیم یافته است. این آموزش بوسیله کمیته های سیاسی انجام می گیرد. به ابتکار کمیته مرکزی حزب کارکنان کنگره سخنرانی های ویژه ای در سازماندهی نیروهای ارتش ترتیب داده میشود. فرمانهای متعددی درباره نفوذ حزب در ارتش صادر شده است.

در شرایط کنونی، دموکراتهای انقلابی در مقیاس وسیعی به اجرای وظیفه مهمی همت گماشته اند که از دیرباز تا ریح در برابر بر طبقه کارگر مطرح ساخته است.

### نگاهی به روند

کردستان و حزب کمونیست عراق در قلعنا مه مشترک خود " سرنگونی رژیم دیکتاتور تروریست و ستمگر صدام حسین و ایجاد حکومت ملی و دموکراتیک متشکل از نمایندگان احزاب، نیروها و افراد مورد اعتماد مردم" را هدف خود اعلام کردند. وظایف این جبهه در آینده عبارت خواهد بود از رفع آثار سیاست ضد خلقی، ضد ملی و غیر انسانی دارودسته صدام دیکتاتور و نجات کشور از ورشکستگی سیاسی - اقتصادی و اجتماعی و ایجاد کشوری مستقل آزاد. این جبهه همچنین حمایت از انقلاب اسلامی ایران و مبارزات خلق های عرب علیه امپریالیسم و صهیونیسم را یکی از وظایف عمده خود میداند.

### تجاوز نظامی عراق به خاک ایران

رژیم بعثی عراق از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دست به توطئه های آشکار و نهان علیه جمهوری جوان ایران زد و بویژه در کردستان و خوزستان با ارسال اسلحه و پول برای ضد انقلاب محلی و فرستادن دسته های خرابکار به این دو منطقه سعی در تضعیف حکومت نوپای ایران کرد. رژیم بعث، استان خوزستان را " عربستان" نامید و مدعی " آزاد ساختن آن شد. رژیم عراق همچنین از دولت ایران خواست سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را هژم زد و تریه اما رات متحده عربی واگذارد.

# بقیه جنبش خلق

حیات "در اختیار رژیم فرتوت و مطلقه" فتودالی که قشر بالایی آن را ۳۰۰۰ نفر تشکیل می‌دهد قرار می‌دهند. با این وجود سلطه بی‌حد و حصر کنسرسیوم نفت آمریکا به نام شرکت نفت عربستان و آمریکا (آرامکو) و خانواده سلطنتی با مقاومت شدید مردم مواجه است. فعالیت نیروهای ترقیخواه ملی، ملت عقب ماندگی بیش از حد شرایط اجتماعی - اقتصادی حاکم در عربستان تنها در سالهای اخیر گرفت.

## ریشه‌های مقاومت ضد سلطنتی

کمیونستهای فعال در جنبه اطلاعات ملی که در سال ۱۹۵۲ پایه گذاری شده بود در سال ۱۹۵۸ جنبه آزادیبخش ملی عربستان سعودی را تشکیل دادند. در سال های اخیر تحت تاثیر موج جنبش عمومی جنبش رهایی بخش ملی عربی گروه‌های جدید سیاسی به وجود آمدند: در سال ۱۹۶۲ جنبش ناسیونالیستهای عرب تشکیل داده اند و طرفداران آن را عمدتاً کارمندان ساکن شهر ریاض تشکیل می‌دهند. بخشی از اعضای این سازمان در سالهای ۶۰ به سازمانهای دیگر سیاسی پیوستند از جمله به حزب بعث عربستان که در سال ۱۹۶۰ تاسیس شده بود.

این سازمان پان عربیست که خط مشی آن تحت تاثیر احزاب مادر در سوریه و عراق قرار داشت. محل بازتاب اختلافات دو حزب بود. در بین سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۹ مشی فراکسیون طرفدار سوریه در این حزب حاکم بود. بخشی از اعضای حزب که طرفدار حزب بعث عراق بودند همراه با طرفداران ناصر در سال ۱۹۶۴ جنبه "دموکراتیک خلق شبه جزیره عربستان را تشکیل دادند. افسران طرفدارنا صریز در "اتحاد خلق شبه جزیره عربستان" متشکل شدند.

رژیم عربستان سعودی در دهه ۶۰ موفقیت بسیار ناچیزی در شناسایی و پیگرد نیروهای مخالف داشت اما در سال ۱۹۶۹ و ۱۹۷۱ ضربه سنگینی به نیروهای مخالف وارد آمد. پس از یک کودتای ناموفق رژیم سعودی با تحریک و بهره برداری از اختلافات موجود بین گروه‌های مخالف به ترور بخش مخالفان پرداخت و با بهره‌انداختن موج وسیع دستگیری تقریباً کلیه مخالفان را از بین برد و دست به تصفیه‌های وسیع در ارتش زد. تنها دو گروه از این موج خونین ترورچان سالم بدر بردند. در سال ۱۹۷۰ جنبه "دموکراتیک خلق" جناح چپ اعراب ناسیونالیست متحد شد و حزب دموکراتیک خلق تاسیس نمودند. از سوی دیگر در سال ۱۹۷۵ حزب کمیونست عربستان سعودی از طرف فعالین جنبه "آزادیبخش ملی" پایه گذاری شد. (۵) علیرغم اختلاف بسیار شدید و غیر قانونی بودن هر نوع فعالیت سندیکایی و سیاسی و تلاش برای احقاق حق زحمتکش و مبارزه علیه رژیم فتودالی قطع نشده است. با اعتصاب و سایر اشکال مبارزه کار در مناطق نفت خیز بارها به تعطیل کشیده شده است. در سال ۱۹۷۸ هزاران نفر از کارگران کارخانه‌های جدید التاسیس فولادسازی عربستان سعودی دست از کار کشیدند.

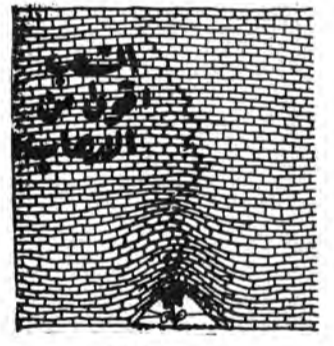
بنا به اظهارات حزب کمیونست عربستان سعودی مبارزه اشکال بسیار متنوعی به خود گرفته است. از جمع آوری امضا، تشکیل هیئت نمایندگی کارگران به منظور انجام مذاکره با مسئولان رسمی و کار فرمایان، اعتصاب و دست کشیدن موقت از کار، تا برخورد کارگران اعتصابی با پلیس و ارگانهای اختناقیمانند اعتصاب کارگران شهرداری در القطیف

و رژیم، رانندگان بندر در تمام اعتصاب در معادن نفت (وشدت گرفتن مبارزات کارگران آرامکو) جمع آوری امضا، اعتزام هیئت نمایندگی کارگران برای مذاکره با روسای شرکت (بمنظور بهبود شرایط کار) او خدمات اجتماعی و اعتصاب آموزگاران محلی در الاحضا، برای تامین حقوق برابر با آموزگاران خارجی و پرداخت کمک هزینه مسکن. (۶)

در آستانه سال ۱۹۷۹-۱۹۸۰ با اشغال مسجد الحرام در مکه به این افسانه که عربستان سعودی با ثبات ترین و مطمئن ترین کشور در منطقه نفت خیز خاور میانه و خاور نزدیک است پایان داده شد. علیرغم گزارشهای رسانه‌های گروهی کشورهای غربی که به خواست رژیم سعودی ناآرامیهای سرتاسری کشور را بی اهمیت جلوه دادند، به روشنی پیدایند که رژیم فتودالی سعودی دچار بحران عمیقی شده است.

## عصیان خلق در سال ۱۹۷۹

دلیل واقعی حمله نظامی چهار روزه، واحدهای ارتش سعودی (با استفاده از تبع نفسری و گاز سمی در اوغرنوا میر ۱۹۷۹ به یکی از مراکز مقدس اسلامی یعنی مسجد الحرام در مکه، برخلاف ادعای مقامات رسمی رژیم سعودی گروگان گیری و اشغال مسجد از جانب چند مذهبی متعصب بمنظور توهین به مقدسات مذهبی نبود. یک ماه قبل از این واقعه به هنگام برگزاری مراسم سوگواری عاشورا بزرگترین مراسم سوگواری سالانه شیعیان، پلیس واحد های نظامی سعودی در برابر شرکت و واکنش شدیدی نشان دادند. خشم مردمی که در اثر انقلاب اسلامی ایران جرات تازه ای یافته بودند به حد انفجار رسید. مراسم مذهبی به اعتراض سیاسی بدل شد. ساکنان روستای سیات (که بین مکه و القطیف واقع شده) شب ۲۷ اکتبر ۱۹۷۹ دست به تظاهرات زدند و خواستار برکناری



املک خالد شدند. شعار "خالد مردم ترا نمی خواهد" و شعارهای متعدد دیگر علیه آرامکو و امپریالیسم آمریکا و نیز شعارها تکی در پشتیبانی از انقلاب ایران به آسمان می‌رسید. (۷)

آتش این ناآرامیها به سایر نقاط کشور هم سرایت کرد. در العوانیه و در ضلع مردم مراکز پلیس را اشغال کرده، پس از به جنگ آوردن سلاح اقدام به سنگربندی کردند. بیوزنه زنان که از لحاظ زندگی سیاسی و اجتماعی محروم تر از زنان کشورهای دیگر هستند در این عملیات شرکت وسیع داشتند و مانند مردان در اعتراضات خود در ضلع حتی چند پلیس را به دار آویختند. در القطیف مانند جزیره تاروت و الاحضا اقشار وسیعی از مردم در تظاهرات گسترده ای شرکت کردند. در الاحضا ساکنان حومه در مرکز شهر تجمع نموده و در صفوف فشرده ای به طرف شهرداری حرکت کردند.

رژیم در مقابل خواستهای آنها مبنی بر اعطای آزادیهای دموکراتیک عکس العمل شدیدی نشان داد. سانسور شدید اخبار برقرار گردید و ارتباط شهرها با جهان خارج به کلی قطع شد. از ۲۲۰۰۰ سرباز مستقر در منطقه بحرانی ۱۲۰۰۰ تن

برای نگهبانی از مناطق نفت خیز تقابل مکان یافتند. شرکت آرامکو بیست کارکنان آمریکایی خود اسلحه و مهمات بخش کرد. آنها را از رفتن و آمدن به مناطق بحرانی منع نمود. واحدهای گارد ملی با شدت عمل بیسابقه ای به مقابله با تظاهرات پرداختند. پس از چندین روز مبارزه رودر رود صدها کشته و زخمی برجامانند. سرانجام هزاران نفر از قبایل مختلف ارتشیان و اعضای گارد ملی به اتهام توطئه علیه امنیت کشور بازداشت شدند. تنها در ۱۵ روز اول ماه نوامبر بازداشت بیش از ۱۵۰۰ نفر در نقاط مختلف کشور رسماً اعلام شد. (۸)

رژیم سعودی هنوز بر اوضاع مسلط نشده بود که ضربه دیگری خورد. قبایل مستقر در منطقه غربی ریاض خواستار خود مختاری شدند. با شرکت وسیع گروه مذهبی اسلاف الصالح درگیریهای موجود به سرعت دامنه وسیعی به خود گرفت و به شهر مکه و مدینه و طائف گشاده شد. پس از دو هفته زد و خورد، رژیم سعودی به سختی توانست با حمله به مسجد الحرام قیامی را که هدف آن سرنگونی خاندان سلطنتی بود سرکوب کند. حزب کمیونست عربستان سعودی در نشست خود در ماه مارس ۱۹۸۰ ضمن تحلیلی در این مورد اظهار داشت: "برای اولین بار گروه های مذهبی (در عربستان) نقش مهمی در مبارزات دموکراتیک ملی ایفا نمودند... این واقعتی بسیار نگر مخالفت های وحشیانه، خلق علیه رژیم فعلی عربستان سعودی است" (۹).

کمکهای نظامی خارجی در سرکوب این قیام یکی از دلایل ضعف واقعی رژیم سعودی است. رژیم سعودی در سرکوب جنبش اعتراضی از نیروهای مهاجم ژاندارمری فرانسه که از سال ۱۹۸۰ آموزش نیروهای سعودی را بر عهده داشت استفاده کرد. نیروهای مذکور رهبری عملیات و "پاکسازی" مسجد الحرام را به عهده داشتند. در این عملیات ۵۰۰ نفر جان خود را از دست دادند. (۱۰)

این جنبش وسیع ضد سعودی در درجه اول نشان داد که تا چه اندازه پایه های رژیم فتودالی در عربستان متزلزل شده است جنبشی که بورژوازی را نیز عمیقاً دربر گرفت. این که قیام رهبری محمد المعرف فرمانده نظامی (شهر) و یکی از سران فعال نیروی زمینی و به همراهی افسران متعددی از گارد ملی انجام شد، دلیل این امر است. دلیل دیگر آن تغییر فرمانده نیروی هوایی و نیروهای مرزبان، گارد ملی و سایر ارگانهای اختناق در دسامبر ۱۹۷۹ است. (۱۱)

بورژوازی نوپای عربستان سعودی که در سالهای اخیر از نظر اقتصادی قدرت بیشتری یافته است و به همین علت وابستگی کمتری به دربار دارد خواستار شرکت در سیاست یا دست کم سهم شدن در امتیازات و تسهیلات ویژه خاندان سلطنتی، نزدیکان دربار و کنسرنهای خارجی است. رژیم سعودی پس از جنبش اخیر ناگزیر ضرورت وجود یک "شورای قانونی مشورتی" را پذیرفت و در نظر دارد در آینده آنرا تشکیل دهد.

بی شک اقتار میان بورژوازی عربستان سعودی در عملی شدن یا مسکوت ماندن این طرح خانواده سلطنتی نقش موثری خواهد داشت. قشر فتودال دستگاه حاکمه با بزرگ کردن "خطر داخلی" یک پارچگی خود را به نمایش گذاشت و رقابت های شدید موجود بین خود را حداقل در یک مورد حل نمود: جانشین ملک خالد بیمار، شاهزاده فهد ولیعهد فعلی خواهد بود. وی به میخوارگی (دائم الخمری) و به با دادن ثروت های بسیار در قمارخانه های کشورهای ساحلی مدیترانه شهرت دارد. با به سلطنت رسیدن فهد قرار است عبدالرحمن رئیس گارد ملی و وابسته به نیرو

های سنتی ولیعهد وی گردد. (۱۲) با وجود این، عملابه رقابت های موجود تا کنون داده نشده است. در مورد امکان حفظ هر چه طولانی تر قدرت در هیئت حاکمه دو جناح با دو نظریه ظاهر مختلف وجود دارد. جناح اول به رهبری شاهزاده فهد و سلطان وزیر دفاع فعلی که کاملاً طرفدار آمریکاست سیاست پیروی محض از امپریالیسم آمریکا را توأم با اختناق شدید داخلی دنبال می‌کند. جناح دیگر به رهبری عبدالرحمن رئیس گارد ملی و سعد وزیر خارجه بدون داشتن کمترین گرایش های ضد آمریکایی با تظاهرات ناسیونالیسم عربی در نهایت خواستار حفظ و ادامه سلطه فتودالی موجود است. به همین جهت این سؤال مطرح است که آیا نمایش "یکپارچگی" خاندان سلطنتی تا چه حد قادر خواهد بود از امکان عصیان دوباره خلق و یا انجام کودتا جلوگیری کند: تنها در طول دو سال گذشته ۱۱ مورد تلاش برای سرنگونی رژیم کشف و خنثی شده است.

- زیر نویس:
- ۱- نیوزویک، نیویورک ۳/۳/۱۹۸۰
  - ۲- میدل ایست، لندن، ماه مه ۱۹۷۹: تایمز مالی، فرانکفورت/لندن ۲/۵/۱۹۸۰
  - ۳- نیوزویک، شماره یاد شده
  - ۴- یو.اس. نیوز اند رپورتاژ واشنگتن ۲۱/۴/۱۹۸۰
  - ۵- مجله جهان سوم، بن شماره ۷/۸-۱۹۷۷ صفحه ۶۸ تا ۷۰
  - ۶- گزیده‌ها بی از گزارش سیاسی کمیته مرکزی حزب کمیونست عربستان سعودی در کمیته خارجی جنبه "دموکراتیک" برای فلسطین شماره ۶، اسیتا میر ۱۹۷۸، صفحه ۱۱۸-۱۱۹
  - ۷- الحوریه، بیروت ۲۴/۱۲/۱۹۷۹
  - ۸- الحوریه و کوریر، وین ۱۰/۱۲/۱۹۷۹
  - ۹- میدل ایست، ژانویه ۱۹۸۰، نیوزویک ۱۷/۱۲/۱۹۷۹، اشیکگل ۱۰/۱۲/۱۹۷۹
  - ۱۰- اسرائیل و فلسطین، پاریس شماره ۸۰، ماه مه ۱۹۸۰، صفحه ۱۱
  - ۱۱- لویونت، پاریس ۲۸/۹/۱۹۸۰، ونزره سایت ۶۰/۲/۱۹۸۰
  - ۱۲- فرانکفورت الکمانینه تسانونگ، ۳/۱/۱۹۸۰، نیوزویک ۳/۳/۱۹۸۰
  - ۱۳- یو.اس. نیوز اند رپورتاژ، ۲۷/۴/۱۹۸۰

## نگاهی به روند

پس از سرنگونی رژیم چنانچه در ایران، صد ام حسین به فکر جانشین شدن آن به عنوان ژاندارم منطقه افتاد. به همین جهت نیز با رژیمهای ارتجاعی در منطقه روابط نزدیکتری برقرار کرد. در این بین رژیم عربستان سعودی نقش واسطه بین رژیم عراق و امپریالیسم آمریکا را به عهده گرفت. بی جهت نیست سادات این دست نشانده آمریکا در انتقال از رهبری کشورهای عربی کمترین اشاره ای به ملک خالد و صدام حسین نکرد (میدل ایست چاپ لندن، ماه مه ۱۹۸۰ ص ۳۱) برزیل سکی مشاور امنیتی کارتر با آگاهی از موضع خصمانه رژیم بعثی عراق نسبت به کشورهای عضو جنبه "پایداری (لیبی، سوریه، جمهوری دموکراتیک یمن و جنبه "آزادیبخش فلسطین) جمهوری اسلامی ایران و حضور نظامی شوروی در افغانستان در مورد رژیم عراق میگوید: "ما احساس می‌کنیم عراق هم به وجود امنیت در خلیج فارس محتاج است به همین علت دلیلی ندارد که روابط ما همچنان سرد باشد" (اینترناشنال هیرالد تریبون ۲۴/۴/۱۹۸۰)

به این ترتیب رژیم عراق با اتکا به حمایت آمریکا و رژیمهای ارتجاعی در منطقه تجا و زگسترده نظامی خود را به بهانه های وا هی به خاک ایران آغاز میکند اما به گفته امام خمینی ملتیی که توانست رژیم بمراتب قوی تر از صدام را شکست دهد، تجا و زگران را نیز به جای خود خواهد نشانند.

اتحاد مردم  
صاحب امتیاز: محمود اعتمادزاده (بهدا ذین) سردبیر: محمد دقتی سرومند نشانی: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹

## نبرد نور و ظلمت

چنین رژیم ضد خلقی و متکی بر استعمارگران رنگا - رنگ داخلی به حق نمی تواند از سیاست خارجی فدا مبریا لیبستی برخوردار باشد.

رژیم بعثی عراق از زمان پیدایش نخستین نشانه های ارتداد در سیاست داخلی در موضع گیری های خود در سیاست خارجی تفسیرات ارتجاعی و راستگرایانه بوجود آورد.

نخست ما سندسادات خائن شعار مبارزه با "دوا بر قدرت را پیش کشید و با شیره ختن رابطه، سودمندوسا زنده، عراق با کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی سیاست درهای با زرا برای هجوم انحصارات غارتگر امپریالیستی و چند ملیتی ها به مردم عراق تحمیل نمود.

طرح شعار عظمت طلبانه و شوینیبستی "وحدت عربی" در سیاست خارجی از جانب با ندمام که به معنای گردن نهادن اعراب به فرمانروایی عراق است نتیجه، منطقی سیاست ضد موکراتیک و ضد خلقی این رژیم ارتجاعی است. صدام لفاش با اعمال این سیاست در عمل به محافل امپریالیستی همزمان که "وحدت عربی" منافعشان را به خطر نمی اندازد زیرا این "وحدت" بر پایه، اتحاد موکراتیک رژیم های مترقی و ضد امپریالیستی استوار نیست، بلکه هدف آن صرفا تا مین سرکردگی رژیم عراق در منطقه است. بر اساس این "وحدت" همه، حکومت ها و رژیم های ارتجاعی، مانند رژیم پوئشالی عربستان سعودی، ملک حسین و قابوس می توانند با حاکمان بغداد متحد شوند و در برابر آن ارتش عراق متعهد است که از آن ها در برابر "تجاوز" اتحاد شوروی و سایر رژیم های مترقی منطقه و خطر جنبش های رهایی بخش "دفاع" نماید.

رژیم خونین صدام به واسطه، تبعیت از این سیاست خائنه و ضد موکراتیک نتوانست در جبهه، پایداری کشور - های مترقی عرب در کناره ریلی، سوریه، یمن، دموکراتیک و جبهه، آزادی بخش فلسطین باقی بماند و با در پیش گرفتن سیاست تفرقه اندازانه و عظمت طلبانه و طرح شعار های توغالی به این جبهه پشت نمود تا به شعار ارتجاعی - بنا سبوتالیستی "وحدت عربی" جا مه، عمل بوشد.

رژیم ضد خلقی صدام در برابر انعقاد قرارداد های خائنه کمپ دیوبند هیچ عکس العمل مثبت و قاطع از خود نشان نداد و حاضر نشد برای در هم کوبیدن این بیمان ننگین دست دوستی صادقانه به سوی کشورهای مترقی درگیر با اسرائیل ضمیمه نیستی و امپریالیسم آمریکا دراز کند.

قطر رابطه با رژیم سادات خائن چیزی نیست که بتوان آن را تا حد امکان در ان هوی تبلیغاتی قرارداد، زیرا دولت های ارتجاعی منطقه چون دولت عربستان نیز به خاطر ترس از افکار عمومی ناچار شدند در ظاهر دست به قطع رابطه،

## نگاهی به روند...

انقلاب اسلامی ایران پایه های لرزان رژیم های ارتجاعی منطقه را به شدت مورد تهدید قرار داده است. با پیروزی انقلاب در ایران و سرنگونی یکی از ارتجاعی ترین رژیم های منطقه مبارزات ملت های تحت ستم در منطقه اوج بیابان های یافت. اکنون کلیه، رژیم های ارتجاعی منطقه ادامه، حکومت جا برانه، خود را در گرو شکست انقلاب ایران می بینند. منافع امپریالیسم آمریکا در این بخش از جهان هیچگاه به این شدت مورد تهدید قرار نگرفته است. از این رودست نشاندگی امپریالیسم به دستور و سراسیمه در صدد فریب زدن به انقلاب ایران و بر سر کار آوردن حکومتی از قماش خود هستند.

رژیم عراق که فرسنگها از اهداف اولیه، خود دور شده و کمترین پایگاه مزد می هم عراقی ندارد تنها به انکار زور و ترور حکومت خود را به مردم تحمیل میکند.

در سال ۱۹۶۸ حزب بعث عراق به کمک جبهه، ملی این کشور متشکل از حزب بعث، حزب کمونیست و چند سازمان آزادیخواه دیگر به قدرت رسید. در آن زمان استقرار سوسیالیسم با همکاری نیروهای ملی و مترقی به عنوان هدف حکومت جدید اعلام گردید. در این راه نیز تا زمانی که همکاری بین نیروهای مترقی وجود داشت گام های مثبتی برداشته شد. با گذشت زمان حزب بعث متحدان خود را از شرکستدر سیاست و اداره، کشور محو و ساخت و به دنبال آن مورد شدید ترین پیگرد و ترور قرار داد.

بویژه با روی کار آمدن صدام ترور و اختناق ابعاد بسیار وسیعی یافت. دستگاه امنیتی عراق هر روز تعداد زیادی از مخالفان را دستگیر کرده به شدیدترین وجه شکنجه میدهد و سربسته نیست میسازد. بیشتر قربانیان این رژیم آدمکش را کردها، شیعیان، کمونیست ها و اعضای سایر سازمان های آزادیخواه تشکیل می دهند. صدام حسین سیاست

"سیاسی" با رژیم مصر بنزد، لیکن از راه های مختلف به امپریالیسم آمریکا و نوکر خلقه به گوشش سادات خدمت می- کنند.

رژیم ضد خلقی صدام برای حفظ منافع چپا و لکرانه طبقات انگل جا مع که امروزه به غده به مکیدن خون میلیون ها کارگر، دهقان و سایر توده های زحمتکش مشغولند، روابط اقتصادی و سیاسی وسیعی با کشورهای امپریالیستی برقرار کرده است.

این رژیم در بطن روابط سیاسی و اقتصادی خود با امپریالیسم فرانسه مقادیر معتنا بهی نفت به قیمت ارزان به این کشور سر از برگرد و قرارداد های سنگین خرید جنگ - افزار با انحصارات فرانسی امضاء نمود. نظیر همین قرار داد به عذر "تعدد با زار خرید اسلحه" با انحصارات تسلیحاتی آلمان غربی، ایتالیا و اسپانیا امضاء شده است.

رژیم انحصار طلب بعثی عراق که پیش از انقلاب ایران در سیاست داخلی و خارجی اش راه سرکوب نیروهای مترقی و سازش با نیروهای ارتجاعی منطقه و مدارا با امپریالیسم را در پیش گرفته بود، نمی توانست به انقلاب ایران روی خوش نشان دهد.

ولادت جمهوری اسلامی ایران با شعار های عمیق خلقی و ضد امپریالیستی، سازشکاران بعثی را چون همه، مرتجعین منطقه سخت به هراس افکند. از این رو بعثی های ضد خلقی عراق با چهره ای عبوس و خشمناک با انقلاب ایران روبرو شدند. تسخیر امام خمینی از عراق به توصیه، شاه خائن ترس و ناخشنودی عمیق آغازین حاکمان بغداد از او و پیروزی جنبش ضد امپریالیستی مردم ایران بود.

کمک به گروه های ضد خلقی و تجزیه طلب در کردستان ایران، همکاری نزدیک با سران فراری رژیم مستعشاهی در توطئه های براندازی رژیم انقلابی ایران و اعزام خرابکاران و مزدوران رنگارنگ به درون مرزها از جمله اقدامات خشن مخالفت - آمیز رژیم بعثی عراق با انقلاب اسلامی شکوهمند ایران بوده است.

رژیم صدام که سیاست برتری قومی و نژادی را در سران کشور منجمله در کردستان عراق به شدت اعمال می کند و پیمان خود مختاری کردهای عراق را زیر پا نهاده و سببست عربی کردن آن ها را در پیش گرفته است، ناگهان به فکر "دفاع" از حقوق خلق کرد در ایران می افتد و سیل پول و اسلحه به این منطقه سرازیر می کند.

واقعیت این است که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی نه تنها مانع ادامه، سیاست ارتجاعی - ناسیونالیستی "وحدت عربی" رژیم صدام و نقشه های عظمت طلبانه، وی در منطقه است، بلکه ارکان این رژیم منفرود بیگانه از خلق را به شدت می لرزاند.

حمله، وسیع نظامی بعثی های عراق به سرزمین ما که

نزدیکی به غرب را با تکیه بر ناسیونالیسم افراطی عربی و همکاری با رژیم های ارتجاعی منطقه آغاز کرد و در تعقیب این سیاست به آلت دست امپریالیسم آمریکا و اعمال اجرای توطئه های این جهانخوا ارتبیدیل شد.

## اوضاع داخلی

کمیته، مرکزی حزب کمونیست عراق در نشست خود در فروردین ماه ۱۳۵۷ حزب بعث را متهم به زیر پا گذاشتن اصول جبهه، ملی و حقوق و آزادی های سایر احزاب و سازمان ها نمود. در این نشست به دستگیری و شکنجه، آزادی خواهان و سیاست دولت مبنی بر گسترش بی رویه، روابط اقتصادی با کشورهای سرمایه داری اعتراض گردید. رژیم بعث دو ماه بعد از آن ۳۱ تن از اعضا و هواداران حزب کمونیست را اعدام کرد. هزاران تن از کارمندان دولتی (آموزش و پرورش ادارات دولتی، ارتش، دانشگاه ها، شرکتهای تعاونی - روستایی، سندیکا های کارگری، مطبوعات و غیره...) اخراج شدند. تنها به دلیل این که عضو حزب بعث نبودند، به دنبال این موج اختناق حدود ۱۵۰۰۰ نفر دستگیر شدند و بیش از هزار تن به جوخه، اعدام سپرده شدند. در ماه های بعد از آن آزادی مطبوعات مورد پیورش دوباره قرار گرفت و روزنامه، "طریق الشعب" ارگان حزب کمونیست عراق غیر قانونی اعلام شد.

با سرکوب نیروهای مترقی گردش به راست سرعت بیشتری یافت و محیط برای رشد و غارت بورژوازی داخلی آسوده گردید. سرمایه داران کوچک به علت موقعیت خود در حزب بعث و وابستگی به آن باز دو بند موفق به گرفتن سفارشات دولتی پر درآمد شدند و در مدت کوتاهی سرمایه ها، افسانه ای به هم زدند. افراد حزبی نزدیک به صدام و فادایه او با گرفتن حق کمیسیون، رشوه، حساب سازی و زد و بند های مالی قشر جدید و قدرتمندی در هیئت ها که به وجود آوردند. این قشر خواستار واگذاری بخشهای دولتی اقتصاد به بخش خصوصی و گسترش روابط با کشورهای سرمایه داری است. تعداد میلیونی های این کشور که در سال ۱۹۷۳ به شش نفر میرسد در حال حاضر

به تحریک و تا بیدار ما موکمال امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا صورت گرفت، صرفا برای تضعیف و نابودی جمهوری اسلامی ایران است.

امپریالیسم آمریکا که هدف ها و سود های عظمت - طلبانه و ناسیونالیستی ارتجاعی صدام فا شیت مآب را منطبق با منویات و سیاست تجا و زکا رانه، خود در منطقه، خاور نزدیک می بیند، از راه های مختلف به ادامه، این تجاوز و خرابکاری در جمهوری اسلامی ایران کمک میکند.

در حقیقت در این تجا و زد دست جنا پتکار آمریکا از آستین صدام پیداست.

جمهوری اسلامی ایران بنا به ماهیت خلقی و ضد - امپریالیستی خود چشم طمع به راضی هیچ کشوری نداشته و ندارد. این جمهوری در قطع نفوذ امپریالیسم در این سران گام های مثبت و قاطعی برداشته و در تداوم این روند معتقدانه تلاش به عمل می آورد. و در سودای آن است که به کار شا طرح های اسیروزی بر سلطه، منطقه در مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم باشد. به همین علت از پیوند مبارک لیبی و سوریه در تحکیم و گسترش جبهه، ضد امپریالیسم با شادمانی استقبال کرده است. بدیهی است که این سیاست خوشایند امپریالیسم و نوکران و همکاران رنگارنگ آن در این منطقه، حیاتی نیست.

رژیم ضد خلقی بعث عراق با آتش گشودن به سوی انقلاب فرا زمند ایران آخرین نقاب تزویر و پویرا کاری را از رخسار برداشته است. این رژیم تبهکار و ضد خلقی مسئول خونخواری است که در دوسوی مرز باختر آتش افروزی و منافع تنگ بینانه، طبقاتی حاکمان مستبد بغداد به زمین ریخته میشود. این رژیم دیرپا زود به اراده، توده های زحمتکش و نیروهای انقلابی این کشور به عنوان همکار امپریالیسم و جنا پتکار جنگی محاکمه و نابود خواهد شد.

اکنون نقاط مرزی وطن ما در غرب و جنوب غربی صحنه، دلاوری های با شکوه سربازان، افسران، پاسداران و دیگر با زوهای مسلح انقلاب است. هر قطره، خونی که از این سلحشوران حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بر زمین میریزد، درخت انقلاب را آبیاری میکند.

پایداری خونین مردم قهرمان خرمشهر و آبادان و قمر شیرین در برابر نیروی اهریمنی متجا و زود دفاع بی باکانه، آنان از وجوب به وجوب سرزمین انقلابی ما یک بار دیگر شکوه انقلاب و جانبا زیبای قهرمانان، مردم ما را در طول تاریخ در دفاع از زمین دریاها زنده کرد.

مردم قهرمان ایران با درود گرم و تحسین فراوان به جانبا زیبای رزمندگان و سلحشوران بیباک خود، ییاد شهیدان انقلاب و صحنه های نیب و کتونی سرنوشت ساز را در ساختن ایرانی آباد و آزاد و فراق زار دست بردار امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا گرامی میدارند.

متجا و زار ۱۵ نفر است. این قشر غارتگر که ثروت خود را به بیهای فقر و محرومیت زحمتکشان این کشور فراهم کرده چندی است به خارج کردن پول از کشور پرداخته است.

رژیم صدام در راه حفظ غارتگری قشر مرفه خاکم دست به ترور مخالفان خود در درون حزب بعث نیز زد که اعدام ۲۱ نفر از مسئولین حزبی از جمله ۵ تن از اعضای شبورانی فرماندهی و عدنان حسین معاون رئیس جمهور گوشه ای از آن است.

## جنبش مقاومت علیه رژیم جنایتکار صدام

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به مبارزان عراق بویژه به شیعیان امید و نیروی تازه ای بخشید. آیت الله خمینی در بین شیعیان عراق که بیش از ۵۰٪ جمعیت این کشور را تشکیل میدهند عمدتاً در جنوب عراق ساکن هستند محبوبیت بسیار زیادی دارند. رژیم صدام تاکنون دوبار دست به تصفیه، افسران شیعه در ارتش زده است و هیزاران مسلمان شیعه را از عراق اخراج نموده. حزب دعوت اسلامی که از شیعیان مبارز عراق تشکیل شده است حزبی است نسبتاً قوی که با پیگیری علیه رژیم جنایتکار صدام مبارز میکند. آیت الله سید محمد باقر صدر رهبر شیعیان عراق چندین بار به علت سخنرانیهای افشاگرانه و دعوت مردم به مبارزه علیه ظلم توسط نیروهای امنیتی رژیم عراق دستگیر و شکنجه شد و چون از مبارزه دست نکشید با آخربه وحشیانه - ترین وجه شکنجه و کشته شد.

به دنبال آزادی افشا و عکس العمل در داخل و روابط رژیم صدام با دول امپریالیستی و نیز تحت تاثیر انقلاب اسلامی ایران جنبش مقاومت در عراق وسعت بسیار یافته است. در اوایل آذر ماه سال گذشته چهار حزب و سازمان مخالف رژیم بعث اقدام به تشکیل "کمیته" دائمی هماهنگی برای ایجاد جبهه، دموکراتیک ملی کردند. این چهار سازمان سیاسی که عبارتند از جنبش سوسیالیستی عربی، سوسیالیستهای عرب حزب بعث، اتحادیه، میهنپرستان